



بررسی تطبیقی و تحلیل ساختاری سفرنامه‌های عتبات عالیات سفر عشق و ملک ری

سعیده عباسی (نویسنده مسئول)^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب

دکتر محمدرضا سنگری

استادیار زبان و ادبیات فارسی

دکتر ابوالقاسم رادفر

استاد زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۸

چکیده

شاید بتوان گفت که مقصود ساختارگراها از شکل یک اثر ادبی، فرم ظاهری شعر یا داستان یا هر نوع نگارشی که با محتوای ادبی دیده می‌شود؛ نیست. بلکه آنان به صورت و فرم در یک اثر ادبی دقت می‌کنند. توجه به هر عنصر در ارتباط با عناصر دیگر می‌تواند یک ساختار

^۱ Email: adab_shariat@yahoo.com

منسجم در اثر ادبی به وجود بیاورد، به شرط آن که هر یک از عناصر وظایف خود را در اثر انجام داده باشند. سرزمین عراق و زیارت قبور ائمه شیعه در شهرهای کربلا و نجف و سایر شهرهای مقدس عراق که اصطلاحاً «عتبات» نامیده می‌شود موضوع بررسی تطبیق از منظر ساختاری در این مقاله است؛ که دو سفرنامه سفر عشق نوشته رضا احسانی و ملک ری نوشته علی اکبر کاظمی گرجی مورد ارزیابی قرار گرفته است. هدف از تطبیق دو سفرنامه بیان توجه ادبی در سفرنامه‌های نوشته شده بعد از انقلاب است که البته میان همه‌ی سفرنامه‌ها دیده نمی‌شود. بررسی‌های انجام شده در سفرنامه‌های فوق نشان می‌دهد که این نوشته‌ها به لحاظ فرم ساختاری در مبحث زبانی، وجوه اشتراک زیادی داشتند؛ با این تفاوت که هر دو سفرنامه در مبحث دستوری متفاوت و قوی عمل کرده‌اند. هر دو سفرنامه‌ی فوق به وجهی ادبی در نگارش سفرنامه توجه کرده‌اند.

کلمات کلیدی: تطبیقی، ساختاری، سفرنامه‌های عتبات عالیات، سفر عشق، ملک ری.

مقدمه

سفرنامه‌ها از جمله منابع مهم علمی در شناخت شهرها و کشورها محسوب می‌شوند. با توجه به اینکه سفرنامه‌نویس با هدف گزارشی از سفر خود، آن را می‌نگارد، سفرنامه‌ها یکی از بهترین منابع کسب اطلاعات تاریخی - جغرافیایی در باب مکان مورد نظر و آشنایی با اوضاع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و.. هستند. سفرنامه‌های عتبات عالیات با توجه به انگیزه مذهبی‌ای که اغلب مسلمانان جهان را به آنها ترغیب می‌نماید، از جمله سفرنامه‌هایی هستند که می‌تواند اطلاعات مفیدی را در اختیار خوانندگان قرار دهد.

در تحلیل ساختاری، وظیفه‌ی محقق و منتقد آن است که به دنبال بررسی متنی باشد که واژه به واژه نوشته‌ی خود نویسنده باشد و سفرنامه‌های بررسی شده‌ی این رساله نیز شامل این ویژگی می‌باشند. سفرنامه‌های مهمی درباره‌ی عتبات عالیات نگاشته شده است که در این مقاله به بررسی ساختاری دو سفرنامه‌ی منتخب که نویسندگان وجه ادبی در نگارش مقاله را رعایت کرده‌اند خواهیم پرداخت. پس از خوانش متن‌ها به کالبدشکافی علمی متون پرداخته شده

است و متن‌ها در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری بررسی شده‌اند. قلمرو زبانی از نظر سطح آوایی، سطح واژگانی و سطح دستوری بررسی شده است و در قلمرو ادبی عناصر زیبایی‌آفرینی متن‌ها در علم بدیع و بیان بررسی شده است و در سطح فکری به محتوای متن انتخابی اشاره شده است. لازم به توضیح است، که بررسی ساختاری به دلیل محدودیت مقاله با گزینش یک بند منتخب از هر سفرنامه مورد بررسی قرار گرفته است.

بررسی تطبیقی

ادبیات تطبیقی یکی از فروع مهم و ارزشمند حوزه‌ی علوم انسانی است که پس از ظهور مدرنیسم و نگاهی نو به انسان و جامعه، بر اساس نیاز عصر و با هدف گسترش دایره‌ی ادبیات، آشنایی با ادبیات و فرهنگ سایر ملل جهان، گسترش تفاهم و دوستی بین ملت‌ها و به هم نزدیک کردن دیدگاه‌های کشورهای مختلف، در اواخر دهه‌ی سوم قرن نوزدهم میلادی در فرانسه ظهور کرد و در اواخر قرن نوزدهم به صورت یک علم در آمد. «ادبیات تطبیقی نقش مهمی در آشکار ساختن پیوندهای فکری و فرهنگی ملت‌ها و تفویت استحکام مبانی آن دارد» (کنجوریان، ۱۳۸۸: ۲۱).

مطالعه‌ی انتقال فرهنگ یک ملت بر ادبیات ملل دیگر، موضوع ادبیات تطبیقی است. نویسندگان در تصویرسازی‌ها، شیوه‌ی بیان احساسات، انتخاب قالب‌ها و موضوعات، ترجمه‌ها و ... از هم تاثیر می‌پذیرند و برهم تاثیر می‌گذارند. «اشتراکات فکری، علائق و سلیقه‌ها، پیوندها و اهداف واحد، لازمه‌ی دو اثر ادبی است، تا آن که یک منتقد بتواند از نظر ادبیات تطبیقی به بررسی آن‌ها بپردازد. تأثیر و تأثر دو اثر ادبی بر یکدیگر می‌تواند نوعی داد و ستد فرهنگی باشد» (فرشیدورد، ۱۳۶۸، ۲: ۸۰۸).

ترجمه‌ها، سفرنامه‌ها، و رمانهای برگردان شده به زبان بیگانه، که ما را با ادبیات ملت‌ها آشنا می‌سازد، وسیله‌ای است برای درک روابط متقابل ملت‌ها، قالب، سبک، محتوا، زبان، نوع نگارش و نگاه خاص نویسنده، به مرور در پذیرش فرهنگ بومی اثر گذاشته و کم‌کم به جزیی از فرهنگ ملی تبدیل می‌شود (آسمند جونقانی، ۱۳۸۸: ۳۸).

تحلیل ساختاری

جان کرو رنسم، موضوع و آن مطالب شعر که می توان آنها را نقل به معنا کرد، «ساختار» می نامد؛ او می گوید: «بافت و ساختار که جمعاً حاوی معنای کامل شعرند، آن را از گفتار غیرشعری متمایز می کنند». (ارباب شیرانی، ۱۳۸۳، ۵: ۴۰۰).

ساختار در معنای شکل است. پدیدآورندگان آثار ادبی به توده اطلاعات و عواطف شکل معینی می دهند و با هماهنگ کردن شخصیت‌ها و مکان‌ها و حوادث و تنظیم آن به صورت داستان یا شعر به متن ادبی شکل می بخشند؛ زیرا زندگی به خودی خود دارای شکل معینی نیست که بتوان ابتدا و انتها یا موضوعی معین برایش قائل شد. «زندگی انبوهی است از اشکال و صور درهم و برهم، آشفته و فاقد نظم روشن. نویسنده به متن ادبی شکل معینی می دهد، شکلی که باید قانع کننده و کامل باشد، یعنی دارای تمامیتی باشد؛ شکلی روشن و دارای استحکام؛ دارای ابتدا و انتها. چنین شکلی را پدیدآورنده اثر خلق می کند. بحران‌ها همواره موجد دگرگونی و باعث تحول مردم و افکار عمومی می شوند. در شکلی که آثار ادبی به خود می پذیرند، قضایا به دستوری حل و فصل می شود و به یک نتیجه‌گیری یا به اصطلاح «پایان بندی» می انجامد» (مشرف، ۱۳۸۷: ۹۱).

مقصود ساختارگراها از شکل یک اثر ادبی، فرم ظاهری شعر یا داستان یا هر نوع نگارشی که با محتوای ادبی دیده می شود؛ نیست. بلکه آنان به صورت و فرم در یک اثر ادبی دقت می کنند. توجه به هر عنصر در ارتباط با عناصر دیگر می تواند یک ساختار منسجم در اثر ادبی به وجود بیاورد، به شرط آن که هر یک از عناصر وظایف خود را در اثر انجام داده باشند. همه‌ی اجزای یک متن مانند ساختار زبانی، ساختار ادبی و ساختار فکری که هر کدام در باطن اثر ادبی هدفی متفاوت دارند. در تحلیل ساختاری، وظیفه‌ی محقق و منتقد آن است که به دنبال بررسی متنی باشد که واژه به واژه نوشته‌ی خود نویسنده باشد و سفرنامه‌های بررسی شده‌ی این رساله نیز شامل این ویژگی می‌باشند.

سفرنامه‌ی عتبات

سفرنامه، داستان سفر به آفاق جهان است و داستان زندگی بشریت را در بر می‌گیرد. علاوه بر جنبه‌ی دلنشین ادبیات داستانی که در خلال روایت به مخاطب منتقل می‌شود، کتابی تحقیقی است که رفتارها، آداب، رسوم، علائق، ویژگی‌های زندگی انسان را در مکان‌های مختلف و زمان‌های قریب و بعید نشان می‌دهد. سفرنامه کتابی است که برای همه‌ی افراد خواندنی است.

از بعد از اسلام، سرزمین اعراب به دلیل اعتقادات دینی مردم یکتا پرست ایران زمین، همواره مورد توجه بوده است. ناصر خسرو در قرن پنجم حدود سرزمین اعراب را چنین توضیح می‌دهد: «در اصطلاح زمین یمن را حمیر گویند و زمین حجاز را عرب و سه جانب این هر دو زمین دریاست... و طول این جزیره... که یمن و حجاز است... از کوفه باشد تا عدن، مقدار پانصد فرسنگ از شمال به جنوب و عرض آن که از مشرق به مغرب است از عمان باشد تا به جاره که مقدار چهارصد فرسنگ باشد و زمین عرب از کوفه تا مکه و زمین حمیر از مکه تا به عدن...» (ناصرخسرو، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

سرزمین عراق و زیارت قبور ائمه شیعه در شهرهای کربلا و نجف و سایر شهرهای مقدس عراق که اصطلاحاً «عتبات» نامیده می‌شود. «در ادوار تاریخ، شیعیان همواره به دلیل باورهای دینی، به این شهرها «عتبات عالیات» گویند. و در کشور عراق به شهرهای نجف، کربلا، کاظمین، سامرا، کوفه اطلاق عتبه می‌شود» (رک. الخلیلی، ۱۴۰۷، ۱: ۴۰-۴۳) وجود قبور متبرک امامان عالی قدر و بزرگان جهان اسلام در این شهرها باعث شد، جمع کثیری از علمای شیعه از این مکان به عنوان مراکز علمی استفاده کنند و حتی در آن جا زندگی کنند.

سفر عشق (رضا احسانی)

کتاب سفر عشق که روایتی از یک سفر آفاقی، انفسی و دانشجویی به کربلاست، توسط رضا احسانی در سال ۱۳۹۲ به رشته‌ی تحریر درآمده است.

زبان فصیح و قلم توانای نویسنده در کنار تفکر فلسفی - اعتقادی خود سفرنامه‌اش را ویژه کرده است. « عصر یک روز دلگیر پاییزی، با یکی از دوستان قدیمی و صمیمی، در حال قدم زدن در خیابان ولی عصر(عج) هستیم... منتظر یک بهار ناگهانم. چشم انتظار حادثه‌ای که نقطه‌ای بر این بند از زندگانی ام بگذارد و مرا به سر خط جدیدی برساند. در همین حال و هوایم که تلفن همراهم به صدا در می‌آید:

- سلام. آقای احسانی؟

- سلام. بله، خودم هستم. بفرماید.

برای سفر کربلایی که در پیش داریم، شما را به عنوان سفرنامه نویس به ما معرفی کرده اند. اگر کاغذ و قلمی دم دست دارید، این مدارک و وسایلی را که خدمتان عرض می‌کنم یادداشت کنید و مهیا بفرمایید و آماده‌ی سفر باشید. با دستپاچگی، هرچه را که می‌گوید می‌نویسم. به توصیه‌های ایمنی و بهداشتی اش هم برای ایام خاص اربعین گوش می‌دهم و بعد خداحافظی می‌کنیم. گیج و مبہوتم. رفیق شفیق از شادی در پوست خود نمی‌گنجد از طلبیده شدن توسط حضرت(ع) و این که «این همان بهاری است که می‌خواستی» می‌گوید؛ من اما ساکت و حیران به او خیره شده‌ام و زیر لب تکرار می‌کنم کربلا... کربلا... کربلا... سفری که هیچ گاه تا به اکنون که بیست و دو سالگی ام نخواسته بودم و بهانه و یا دلیل این بود که: «تاب رفتن ندارم. منی که از شنیدن روضه و حکایتش چنین عاجزم، در آن جا تکه تکه خواهم شد از عظمت مصیبت و جانکاهی اندوه». حال، اما مرا خواسته بودند. دعوتی از جنس ناگهان!». (احسانی، ۱۳۹۴: ۱۹-۲۰)

شروع کتاب نشان دهنده‌ی آن است که با سفرنامه‌ای معرفتی روبه رو هستیم. سفرنامه‌ی احسانی به چهار بخش تقسیم می‌شود که نویسنده نام بخش‌ها را ناسوت، ملکوت، جبروت و لاهوت گذاشته است. کتاب سفر عشق توسط رضا احسانی از زبان اول شخص نوشته شده است. این سفرنامه به شیوه‌ی داستان محور پردازش شده است. مباحث اعتقادی این کتاب با زبان نیایش‌گونه بیان می‌شود. در بررسی ساختاری این کتاب می‌توان گفت که سفر عشق،

روایتی ست فراتر از بعد زمان و مکان که نویسنده به شیوه‌ای دقیق و حکیمانه سعی در بیان سفر عرفانی خود دارد.

بررسی ساختاری کتاب *سفر عشق*، نشان می‌دهد که با دو سبک و دو نوع نثر متفاوت نگاشته شده است. متنی که روایت‌گر شرح وقایع سفر است و متنی که به بیان ویژگی‌های عرفانی سفر پرداخته است. نام *سفر عشق*، با محوریت عشق برای بسط این محتوا انتخاب شده است. *سفر عشق*، حکایتی است از دلدادگی راوی در سفر کربلا، اثری ست آمیخته با فلسفه و ادبیات عرفانی که از آن بوی عشق کربلا به مشام می‌رسد. کتاب *سفر عشق* برای پردازش سفرنامه به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول مبحث شرح روایت به صورت داستان محور و بخش دوم مبحث اعتقادی به شیوه‌ی منولوگ‌گویی ادبی است. در بررسی ساختاری این کتاب در این رساله از هر دو بخش استفاده شده است. عنوان سفرنامه‌ی *سفر عشق*، عنوانی اضافی است که جمع مکسر اسفار است و استعاره‌ای از پنج کتاب تورات (*سفر آفرینش*، *سفر خروج*، *سفر لاویان*، *سفر اعداد*، و *سفر تثبیه*) است.

ملک ری (علی اکبر کاظمی گرجی)

سفرنامه *ملک ری*، در سال ۱۳۸۴، توسط علی اکبر کاظمی گرجی به شیوه‌ی داستان محور نوشته شده است.

«تقریباً ساعت ۴ بامداد بود که سرحال و با نشاط بیدار شدیم. بعد از اینکه نماز را خواندیم من ساک‌ها را درون ماشین گذاشتم و فاطمی خانم هم بچه‌ها را بیدار کرد. آن وقت صبحانه را خورده و نخورده حرکت کردیم. هوا هنوز خوب روشن نشده بود که رسیدیم به ابتدای پارک، "آب مرجان". راننده‌ی کامیونی داشت نمازش را می‌خواند. با دیدن او تبسم بر لبان ما جاری شد.

یک کمی که جلوتر رفتیم، ضبط صوت را روشن کردم:

سلام ای کعبه‌ی دل‌ها حسین جان سلام ای کعبه‌ی دل‌ها حسین جان
کمی آهسته تر تو به کجا می‌روی کمی آهسته تر تو به کجا می‌روی

(کاظمی گرجی، ۱۳۹۰: ۸۰-۸۱)

کتاب ملک ری، کتابی داستان محور است. داستان از زبان راوی شرح داده می‌شود. راوی استاد دانشگاه شاهرود، مردی دین دار و خانواده دار است که با روحانیون رابطه‌ی نزدیکی دارد. نویسنده این کتاب را به واسطه‌ی استاد دانشگاهی شرح می‌دهد که قصد در رشد شخصی خود و خانواده‌ی خود دارد. هدف راوی قصه، از رفتن به سفر عتبات تنها زیارت نیست؛ او به قصد انسانیت و نزدیکی روحی و عشق به اهل بیت علیهم السلام به زیارت می‌رود.

هدف نویسنده از نگارش این کتاب، بیان سلوک شخصی قبل از سفر و پالایش روح در طول سفر است. یکی از ویژگی‌های این کتاب، مراجعه به کتب معتبر در بیان تاریخ وقایع است. یکی از موارد قابل توجه این سفرنامه بحث دینی اعتقادی است که بین راوی و شخصیت‌های سفرنامه اتفاق می‌افتد. قلم نویسنده، در این اثر ادبی است و از استشهدای شعری استفاده کرده است. توجه به جزئیات سفر در کنار مباحث اعتقادی این سفرنامه، پایاپای اتفاق می‌افتد. بسامد بالای استفاده از حروف پشت سر هم یکی از ضعف‌های نوشتاری این کتاب محسوب می‌شود.

حاکمیت بر منطقه‌ی «ری» وعده‌ی یزیدیان به امرین سعد بود تا وی را برای جنگ با اما حسین (ع) آماده کنند؛ او نیز پذیرفت. طمع رسیدن به ملک ری او را وادار به جنایت هولناکی کرد که ننگ آن برای همیشه بر پیشانی‌اش ماند و بی‌تردید هوا و هوس، قدرت‌طلبی و ثروت اندوزی در وجود همه‌ی آدمیان هست که اگر مهار نشود به کج راهه دچار می‌شوند. نویسنده‌ی این اثر که عشق مردم پاکدل را به اهل بیت (ع) به تصویر کشیده است، در جای جای آن رد پای ملک ری را در درون آدمیان نشان می‌دهد.

تحلیل ساختاری در سفرنامه سفر عشق (رضا احسانی)

بند منتخب: «پیکِ عشق، به ناگاه از راه می‌رسد و پیغام دوست را ابلاغ می‌کند؛ درست در لحظه‌ای که تو انتظارش را نداری. گرچه عمری در انتظارش به سر بردی، و مدت‌ها خویش را

از آن چه نمی‌پسندد پیراستی و بدانچه که می‌خواهد آراستی؛ گرچه هر صبح به اشتیاقش چشم گشودی و هر شب به امید سر رسیدنش و یا به خواب دیدنش دیده بر هم نهادی، اما او، خود، بهتر می‌داند که چه زمانی موعد آمدنش است: لحظه‌ای که تو دست از انتظار شسته‌ای و دیگر تاب صبوری نداری و در آستانه‌ی غلتیدن در گرداب ناامیدی هستی. آنگاه است که بارقه‌ی عشق، بر شبستان دلت نازل می‌شود و تو بوی نور را حس می‌کنی! و این بشارت نورانی تو را در بهتی آمیخته از وجد و ترس فرو می‌برد. تا اندکی پس از فرو نشستنِ دهشت آغازینت، لب به لبخند بگشایی و شادمان از پسندیده شدن از جانب دوست و خوانده شدن از سوی او، ترانه‌ی شوق سر دهی:

مرحبا ای بیک مشتاقان بده پیغام دوست تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست (حافظ)
(احسانی، ۱۳۹۴: ۲۱)

ساختار زبانی^۲

ساختار زبانی در سه بخش ساختار آوایی، واژگانی و دستوری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ساختار آوایی

واج آرایی ش (هر صبح به اشتیاقش چشم گشودی)، (از فرو نشستنِ دهشت آغازینت، لب به لبخند بگشایی و شادمان از پسندیده شدن)

جناس اشتقاق (آراستی و پیراستی = خویش را از آن چه نمی‌پسندد پیراستی و بدانچه که می‌خواهد آراستی)

تکرار (به خواب دیدنش دیده بر هم نهادی)

موسیقی درونی (بر اساس واج آرای، جناس و تکرار در این بند، موسیقی درونی احساس می‌شود)

^۲ بررسی ساختار زبانی در دو بخش آوایی و واژگانی بر اساس کتاب کلیات سبک‌شناسی سیروس شمیسا در صفحه‌ی ۲۱۶ تا ۲۱۷ مورد بررسی قرار گرفته است.

ساختار واژگانی

استفاده از واژگان پارسی مهجور (پیراستی، نهادی، فرو نشستن دهشت، بگشایی، سردهی)

استفاده از واژگان عربی (ابلاغ، موعده، بارقه، نازل)

ساختار دستوری

استفاده از جملات کوتاه (بسامد استفاده‌ی زیاد از افعال در یک متن نشان دهنده‌ی کوتاهی جملات است)

استفاده از کاربردهای کهن دستوری وجوه کهن فعل که از زمان مشروطه به بعد ایراد محسوب می‌شود (پیراستی، آراستی، گشودی، نهادی، شسته‌ای، سردهی)

استفاده از ب آغازین بر سر فعل که امروزه منسوخ شده است (بگشایی)

استفاده از مفعول (در متن بسامد بالایی دارد = پیغام دوست را ابلاغ می‌کند؛ درست در لحظه‌ای که تو انتظارش را نداری. گرچه عمری در انتظارش به سر بردی، و مدت‌ها خویش را از آن چه نمی‌پسندد)

حذف نهاد (گرچه هر صبح به اشتیاقش چشم گشودی = ضمیر تو حذف شده است)

ساختار ادبی

اضافه‌ی استعاری = استعاره‌ی مکنیه: پیکِ عشق (عشق چون پیک است در خبررسانی)

اضافه‌ی استعاری (بارقه‌ی عشق = عشق به آتش تشبیه شده با وجه شبه بارقه داشتن پس به دلیل حذف مشبه به اضافه استعاری است.)

اضافه‌ی تشبیهی (گردابِ ناامیدی = ناامیدی به گرداب تشبیه شده است با وجه شبه محذوف)

اضافه‌ی تشبیهی (شبهستانِ دل = دل به شبهستان تشبیه شده است با وجه شبه محذوف)

حس آمیزی (بوی نور = نور بو ندارد)

کنایه (دست از انتظار شسته‌ای = دست از انتظار شستن کنایه است از پایان انتظار)

تناسب (بهتی آمیخته از وجد و ترس)

(پیکِ عشق، به ناگاه از راه می‌رسد و پیغام دوست را ابلاغ می‌کند؛ درست در لحظه‌ای که تو

انتظارش را نداری)

استشهاد شعری:

مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست

(حافظ)

ساختار فکری

این بند در بیان مسائل اعتقادی به صورت مونولوگ عاشقانه با ائمه‌ی اطهار روایت شده است. ساختار فکری سفرنامه‌ی *سفر عشق*، نشان می‌دهد که این کتاب، عشق و عقل را مهمترین رکن بیان مسائل فکری می‌داند. بیان چهار عنصر مفقور در انسان مانند: حس، خیال، عقل و عشق مهمترین مفاهیم فکری در نگارش این سفرنامه هستند. اعتقاد به سرشت تا رسیدن به دیوانگی و جاودانگی از مهمترین مفاهیم اعتقادی به کار برده شده در این سفرنامه است که به صورت مونولوگ های عاشقانه در کتاب آورده شده است.

تحلیل ساختاری در سفرنامه ملک ری (علی اکبر کاظمی گرجی)

بند منتخب: «این فکر، ابتدا مرا خوش حال کرد؛ اما بعد، یواش یواش اشک از چشمانم سرازیر شد! زیرا به این اندیشیدم که وقتی روح پیامبر به ملکوت اعلا پیوست؛ از یک طرف مولا علی (ع) طبق یک سنت الهی و اسلامی، به تغسیل و تکفین و تدفین حبیب خدا مشغول بود و در فراق او اشک ماتم می‌ریخت و از طرف دیگر، عده‌ای در «سقیفه‌ی بنی ساعده»، جمع شده بودند تا مسئله‌ی خلافت و رهبری مسلمانان را، به نفع خود و قبیله خودشان رقم بزنند!

عجب دنیایی! تو گویی انگار نه انگار که رسول خدا به ملکوت اعلا پیوسته است! شگفت‌تر این که رسولی که تا همین دو ماه قبل، در واقعه‌ی غدیر خم، سرنوشت مسلمان را به کسی سپرده بود که بنا به گفته‌ی دوست و دشمن، داناترین و باتقواترین فرد زمانه‌اش بوده است!

مردی که تاریخ با همهی فراموش‌کاری‌هایش، او را نه زینت بخش انگشتی‌اش، بلکه چراغ همیشه فروزان راه حیات بشریت قرار داده است!» (کازمی گرجی، ۱۳۹۰: ۱۳۲)

ساختار زبانی

ساختار زبانی در سه بخش ساختار آوایی، واژگانی و دستوری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ساختار آوایی

واج آرایشی ش (یواش یواش اشک از چشمانم سرازیر شد)

واج آرایشی گک (تو گویی انگار نه انگار)

واج آرایشی د (که بنا به گفته‌ی دوست و دشمن، داناترین و باتقواترین فرد زمانه‌اش بوده است)

تکرار (انگار، خود، یواش)

ساختار واژگانی

استفاده از واژگان عربی (تغسیل، تکفین، تدفین، واقعه، بشریت، اعلا)

ساختار دستوری

استفاده از جملات بلند (از یک طرف مولاعلی (ع) طبق یک سنت الهی و اسلامی، به تغسیل و تکفین و تدفین حبیب خدا مشغول بود)

استفاده از جملات تعجبی (یواش یواش اشک از چشمانم سرازیر شد!)

استفاده از اسم‌های مرکب (زینت‌بخش، فراموش‌کاری)

تاکید (یک سنت الهی)، (دو ماه قبل)

استفاده از اسم تفضیل (شگفت‌تر، تقواترین، داناترین)

استفاده‌ی زیاد از ضمیر اشاره (این فکر، ابتدا مرا خوش حال کرد؛ اما بعد، یواش یواش اشک از چشمانم سرازیر شد! زیرا به این اندیشیدم که وقتی روح پیامبر به ملکوت اعلا پیوست)

استفاده از مضاف و مضاف الیه های پشت هم (روح بلند پیامبر)، (چراغ همیشه فروزان
راه حیات بشریت)

استفاده از واو عطف (تغسیل و تکفین و تدفین)

استفاده از شبه جمله (یواش یواش)، (عجب دنیایی!)، (انگار نه انگار)

استفاده از قید (ابتدا، دیگر، عجب، گویی، انگار، شگفت تر، بنا به، بلکه، همیشه)

ساختار ادبی

تناسب (طبق یک سنت الهی و اسلامی، به تغسیل و تکفین و تدفین حیب خدا مشغول بود)

(یواش یواش اشک از چشمانم سرازیر شد)

تضاد (دوست و دشمن)

(تا مسئله‌ی خلافت و رهبری مسلمانان را، به نفع خود و قبیله خودشان رقم بزنند!)

کنایه (اشک از چشمانم سرازیر شد = کنایه از گریه کردن)

(به ملکوت اعلا پیوست = کنایه از مردن)

(اشک ماتم ریختن = کنایه از گریه از اندوه زیاد)

استعاره مصرحه (چراغ همیشه فروزان راه حیات بشریت = استعاره از علی (ع))

تشخیص (مردی که تاریخ با همه‌ی فراموش کاری‌هایش = جان بخشی بهتاریخ در فراموش
کاری)

تلمیح (در واقعه‌ی غدیر خم، سرنوشت مسلمان را به کسی سپرده بود = تلمیح به واقعه غدیر
خم)

(زینت بخش انگشتی‌اش = تلمیح به داستان انگشت خاتم)

ساختار فکری

ساختار فکری این بخش اعتقادی است.

تفکر در این سفرنامه جایگاه ویژه‌ای دارد. تفکر در مورد عاشورا و مفاهیمی استفاده شده در آن، توجه به بزرگان دین، فلسفه‌ی زیارت از مسائل مهم اعتقادی در این سفرنامه است. ساختار فکری کتاب ملک ری، نشان از اعتقاد عقلی و قلبی راوی دارد. راوی داستان همواره در تلاش است که با شناخت کلی، فلسفه‌ی زیارت را بیان کند و آگاهانه و مخلصانه عبادت کند، او در این مسیر شناخت مسافران و همراهان را نیز دخیل می‌کند و همواره با گپ و گفت و بیان مسائل اعتقادی، سعی در رشد شناختی همراهانش و کشف واقعیت دارد.

نتیجه‌گیری تطبیقی وجوه اشتراک و افتراق در سفرنامه‌ها ساختار زبانی^۳

ساختار زبانی در سه بخش ساختار آوایی، واژگانی و دستوری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ساختار آوایی

واج آرای ش (هر صبح به اشتیاقش چشم گشودی)، (از فرو نشستن دهشت آغازینت، لب به لبخند بگشایی و شادمان از پسندیده شدن)

جناس اشتقاق (آراستی و پیراستی = خویش را از آنچه نمی‌پسندد پیراستی و بدانچه که می‌خواهد آراستی)

تکرار (به خواب دیدنش دیده بر هم نهادی)

موسیقی درونی (بر اساس واج آرای، جناس و تکرار در این بند، موسیقی درونی احساس می‌شود)

ساختار واژگانی

استفاده از واژگان پارسی مهجور (پیراستی، نهادی، فرو نشستن دهشت، بگشایی، سردهی)

استفاده از واژگان عربی (ابلاغ، موعده، بارقه، نازل)

^۳ بررسی ساختار زبانی در دو بخش آوایی و واژگانی بر اساس کتاب کلیات سبک‌شناسی سیروس شمیسا در صفحه‌ی ۲۱۶ تا ۲۱۷ مورد بررسی قرار گرفته است.

ساختار دستوری

استفاده از جملات کوتاه (بسامد استفاده‌ی زیاد از افعال در یک متن نشان دهنده‌ی کوتاهی جملات است)

استفاده از کاربردهای کهن دستوری وجوه کهن فعل که از زمان مشروطه به بعد ایراد محسوب می‌شود (پیراستی، آراستی، گشودی، نهادی، شسته‌ای، سردهی)

استفاده از ب آغازین بر سر فعل که امروزه منسوخ شده است (بگشایی)
 استفاده از مفعول (در متن بسامد بالایی دارد= پیغام دوست را ابلاغ می‌کند؛ درست در لحظه‌ای که تو انتظارش را نداری. گرچه عمری در انتظارش به سر بردی، و مدت‌ها خویش را از آن چه نمی‌پسندد)

حذف نهاد (گرچه هر صبح به اشتیاقش چشم گشودی = ضمیر تو حذف شده است)

ساختار ادبی

اضافه‌ی استعاری= استعاره‌ی مکنیه: پیکِ عشق (عشق چون پیک است در خبررسانی)
 اضافه‌ی استعاری (بارقه‌ی عشق = عشق به آتش تشبیه شده با وجه شبه بارقه داشتن پس به دلیل حذف مشبه به اضافه استعاری است.)

اضافه‌ی تشبیهی (گردابِ ناامیدی = ناامیدی به گرداب تشبیه شده است با وجه شبه محذوف)

اضافه‌ی تشبیهی (شبستانِ دل = دل به شبستان تشبیه شده است با وجه شبه محذوف)

حس آمیزی (بوی نور = نور بو ندارد)

کنایه (دست از انتظار شسته‌ای = دست از انتظار شستن کنایه است از پایان انتظار)

تناسب (بهتی آمیخته از وجد و ترس)

(پیکِ عشق، به ناگاه از راه می‌رسد و پیغام دوست را ابلاغ می‌کند؛ درست در لحظه‌ای که تو انتظارش را نداری)

استشهاد شعری:

مرحبا ای پیک مشتاقان بده پیغام دوست تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست

(حافظ)

ساختار فکری

این بند در بیان مسائل اعتقادی به صورت مونولوگ عاشقانه با ائمه‌ی اطهار روایت شده است.

نتیجه گیری تطبیقی بر اساس وجوه اشتراک و افتراق در سفر عشق و ملک ری

وجوه اشتراک در هر دو اثر

ساختار زبانی در سه بخش ساختار آوایی، واژگانی و دستوری مورد بررسی قرار گرفته است.

در ساختار آوایی واج آرایبی و تکرار در هر دو اثر دیده می شود.

در ساختار واژگانی استفاده از واژگان عربی در هر دو سفرنامه وجود دارد.

در ساختار دستوری هر کدام از نویسندگان قوی عمل کرده اند و در استفاده‌ی زیاد در ساختار

دستوری مشترک هستند ولی نوع کاربرد دستوری در هر اثر متفاوت است.

ساختار ادبی، در این مبحث تناسب، کنایه، استعاره از وجوه مشترکی است که هر دو نویسنده

از آن بهره برده اند.

ساختار فکری در هر دو اثر اعتقادی است.

وجوه افتراق در هر دو اثر

در ساختار آوایی سفرنامه سفر عشق نویسنده در وجه موسیقایی از جناس اشتقاق بهره برده

است.

در ساختار واژگانی استفاده از واژگان پارسی مهجور در سفرنامه سفر عشق دیده می شود.

ساختار دستوری در ملک ری عواملی چون استفاده از جملات بلند، استفاده از جملات

تعجبی، استفاده از اسم‌های مرکب، تاکید، استفاده از اسم تفضیل، استفاده‌ی زیاد از ضمیر

اشاره، استفاده از مضاف و مضاف الیه های پشت هم، استفاده از واو عطف، استفاده از شبه

جمله، استفاده از قید دیده می شود.

ساختار دستوری در سفر عشق استفاده از جملات کوتاه، استفاده از کاربردهای کهن دستوری وجوه کهن فعل که از زمان مشروطه به بعد ایراد محسوب می‌شود، استفاده از ب آغازین بر سر فعل که امروزه منسوخ شده است، استفاده از مفعول، حذف نهاد وجود دارد که وجهی افتراق متنی است.

در ساختار ادبی، آرایه های ادبی چون تضاد، تشخیص، تلمیح از موارد استفاده شده در سفرنامه ی ملک ری است.

نویسنده ی سفر عشق، از آرایه ی حس آمیزی و استفاده از استشهاد شعری در متن منتخب بهره برده است.

به لحاظ ساختاری شیوه ی پردازش هر سفرنامه، روایتی داستان محور است. و به مباحث اعتقادی توجه شده است. هر دو سفرنامه به مباحث روحانی سفر پرداخته‌اند. استفاده از آرایه های بدیعی، بیانی و دستوری در هر دو اثر دیده می شود. در این دو سفرنامه وجوه اشتراکی مباحث زبانی در دو سطح واژگانی و آوایی وجود دارد و در مبحث دستوری تفاوت های زبانی محدودی دیده می شود. در مباحث ادبی نیز آرایه های ادبی مشترک در کل سفرنامه بسامد بیشتری دارد. این دو سفرنامه به لحاظ ساختار فکری مشترک عمل کرده اند. هر دو نویسنده به وجه ی ادبیاتی در اثر خود توجه کرده اند.

منابع و مآخذ

- ۱) احسانی، رضا، (۱۳۹۴)، سفر عشق، انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع)، تهران.
- ۲) ارباب شیرانی، سعید، (۱۳۸۳)، توضیحات و تعلیقات مترجم، در تاریخ نقد جدید، رنه ولک، ج ۵، تهران، نشر قطره.
- ۳) آسمند جونفانی، علی، (۱۳۸۸)، ادبیات تطبیقی، کتاب ماه ادبیات، شماره ۲۶.
- ۴) الخلیلی، جعفر، (۱۴۰۷ق)، موسوعه العتبات المقدسه، قسم النجف، چاپ دوم: بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۵) فرشیدورد، خسرو، (۱۳۶۸)، درباره ی ادبیات و نقد ادبی، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- ۶) کاظمی گرجی، علی اکبر، (۱۳۹۰)، ملک ری (خاطره هایی از عتبات عالیات)، موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- ۷) کنجوریان، فرشته، (۱۳۸۸)، بررسی سفرنامه ابن بطوطه از منظر ادبیات تطبیقی، نشریه ادبیات تطبیقی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کرمان.
- ۸) مشرف، مریم، (۱۳۸۷)، شیوه نامه نقد ادبی، تهران، انتشارات سخن.
- ۹) ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۸۹)، سفرنامه، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: زوار.